**زبان و ادبیات فارسی در هند**

در خور توجه جناب آقای مهرداد پهلبد وزیر دانشمند فرهنگ و هنر

پروفسور محمد اسحاق هندی شخصی است بتمام معنی عاشق ادبیات و زبان فارسی. وی در سال 1308 به طهران آمد و چند ماهی در این شهر ماند و با بزرگان ادب و شاعران‏ استاد که اکنون بسیاری از آنان چون:بهار،دهخدا،دانش،یاسمی از دنیا رفته‏اند، معاشرت و مؤانست جست و کتابی بنام«سخنوران ایران در عصر حاضر»تألیف کرد که مرحوم‏ فروغی محمد علی مقدمه‏اش را نوشته و کتابی است معتبر دربارهء شاعران این عصر.در سال‏ 1314 بار دوم بایران دعوت شد و در کنگرهء فردوسی شرکت جست،و بار سوم در شهریور ماه‏ 1345 در کنگرهء جهانی ایران شناسان.

این شخص نجیب از نظر عشق و علاقهء واقعی که بایران دارد در سال 1944 میلادی‏ در کلکته مؤسسه‏ای بوجود آورده بنام«ایران سوسیته» Iran Society ،که روز بروز بیر رونق‏ آن افزوده می‏شود.این مؤسسه دارای مجله‏ای است بنام«بزم ایران»،و قراءت خانه و کتاب‏ خانه‏ای دارد که علاقمندان بزبان و ادب فارسی را از هر مذهب و ملت بهره‏مند می‏کند و می‏توان گفت از مؤسسات خوب و مؤثر فرهنگی ایران است در کشور هند،و این دعویی‏ است که آقایان علی اصغر حکمت،و محیط طباطبائی و محمود تفضلی و دیگر دانشمندان ایرانی‏ که آن مؤسسه را از نزدیک دیده‏اند گواهانی عدل.

عمارت این مؤسسه در محلی مرغوب از شهر کلکته واقع شده که بنام ایران سوسیته‏ خریداری شده،باین معنی که ایران سوسیته خود شخصیت حقوقی دارد و این عمارت را نه دولت هند مالک است نه دولت ایران،نه شخص دکتر محمد اسحاق و نه فرد معینی دیگر. از بایت قیمت عمارت مقرر بوده است یکصدو پنجاه هزار روپیه دولت هند بدهد و یکصد و پنجاه‏ هزار روپیه دولت ایران.دولت هند در نخستین وهله،به تعهد خود عمل کرد و یکصد و پنجاه‏ هزار روپیه را داد.دولت ایران هم همین مبلغ را که تعهد کرده بود به هند فرستاد ولی‏ سفیر کبیر ایران در هند پرداخت آن را بهانه‏ای آورد که از آن بهانه عجیب‏تر و زننده‏تر نه‏ می‏توان تصور کرد.بهانه این بود که پرداخت وجه مشروط است باین که سند رسمی خرید نیمی از عمارت بنام دولت ایران باشد!

توجه می‏فرمائید این بهانه تا چه حد از مرحلهء ادب‏پروری و ایران‏خواهی دور است. اگر بنا باشد در سند رسمی خرید عمارت بنام دیگری غیر از ایران سوسیته باشد.پس دولت‏ هند به هر حال مقدم است زیرا عمارت در کشور هند واقع است و دولت هند سهمی خود را پرداخته است،و از این‏ها گذشته در این مؤسسه زبان فارسی تدریس می‏شود نه زبان‏ هندی.از دولت هند به حقیقت باید ممنون بود که اجازه می‏دهد برای ترویج زبان فارسی‏ مؤسسه‏ای فرهنگی بنام ایران در کشورش ایجاد شود و نیمی از بهای عمارتش را هم بدهد و شخصیت حقوقی دائمی هم داشته باشد.

این‏ها مساعدت‏هائی است که نه می‏توان بی‏سپاس گذاشت.

باری،اکنون چندین سال است که این معامله نیمه‏تمام در جریان است نه مؤسسهء ایرانی را استطاعت مالی است که بقیهء قیمت را بدهد و نه می‏توان این معامله را فسخ کرد زیرا اگر معامله فسخ شود باید یک هزار و پانصد روپیه دولت هند نیز مسترد شود و این‏ زیانی است معنوی که بادب و فرهنگ ایران می‏رسد.و دیگر این که بر قیمت عمارت‏ مبالغی معتنابه افزوده شده و این هم خود زیانی دیگر است.اشکال دیگر این که خریدار عمارت ایران سوسیته است و طرف معامله نه دولت است و نه شخص،تقریبا یک نوع موقوفه‏ است که تصرف در آن دشوار است مگر این که اساس مؤسسه بکلی برچیده شود.و حیف است.

برای اینکه این معامله که صددرصد به سود فرهنگ ایران است.بر هم نخورد،میرزا علی اکبر کاشانی از بازرگانان فهمیده و نجیب ایران مقیم کلکته چند سال مبلغی به عنوان‏ وام به ایران سوسیته داده است اما یک بازرگان تا کی می‏تواند سرمایهء خود را معطل دارد؟

مدیرعامل و گردانندهء اسن مؤسسه آقای پروفسور محمد اسحاق است که تصور هیچگونه‏ استفادهء مادی برایش نیست،و چون فرزند ندارد این مؤسسه را بمنزلت فرزند خود می‏داند، و از هیچگونه اهتمام در پیشرفت آن خودداری ندارد،اما،عوایدی نیست که بهای نیمهء عمارت پرداخته شود،و جز این که دولت شاهنشاهی به تعهدی که فرموده کار کند،چاره‏ای نی.

از جناب آقای پهلبد که فرهنگ‏پروری‏شان مشهود همگان است توقع دارد که مقرر فرمایند این یکصد و پنجاه هزار روپیه که یکصد هزار تومان بپول ایران تومان بیش نیست پرداخته شود و معامله پایان یابد که خدمتی است بسیار عظیم بادب و فرهنگ ایران در پایداری چونین مؤسسه‏ای.

مهری باید چنانکه باید،مهری‏ دادی باید چنانکه باید،دادی

پروفسور محمد اسحاق(از هند) در کنگرهء جهانی ایران‏شناسان‏ در هنگام سخن‏رانی‏ شهریور 1345 سمت راست:سید حسن تقی‏زاده‏ رئیس کنگره